



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال دهم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۲۳

## نقش سازمان‌های مردم‌نهاد متخصص شهرسازی در افزایش مشارکت شهروندان بر مبنای اقدام پژوهی مشارکتی در محلات اقبال و امامیه مشهد

آرزو علیخانی (پژوهشگر دکتری شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

[a.arezoo@modares.ac.ir](mailto:a.arezoo@modares.ac.ir)

سید مهدی خاتمی (استادیار طراحی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

[s.khatami@modares.ac.ir](mailto:s.khatami@modares.ac.ir)

هاشم داداش‌پور (دانشیار برنامه ریزی شهری و منطقه ای، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

[h-dadashpoor@modares.ac.ir](mailto:h-dadashpoor@modares.ac.ir)

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۲

صص ۱-۱۸

### چکیده

نقش نهادهای واسط و متشکل از افراد متخصص در زمینه شهرسازی به‌منظور آگاهی‌بخشی به شهروندان و پرنمودن خلأ بین آنان و مدیریت شهری، در راستای تحقق مشارکت ضروری به نظر می‌رسد. این پژوهش باهدف بررسی نقش سمن متخصص در امور شهری در مشارکت شهروندان برای بهبود محیط شهری در سطح محله صورت گرفته است. بدین ترتیب که در یک فرآیند اقدام‌پژوهی، بنیاد مردم‌نهاد چهارطبقه به‌عنوان یک سمن تخصصی شهرسازی انتخاب و نقش این نهاد در امر مشارکت و آگاهی‌بخشی به ساکنین طی دو ماه به‌صورت مستمر در طول انجام پروژه کیفیت‌بخشی به محلات در رابطه با استقبال از بهار ۱۳۹۷ در دو محله اقبال و امامیه در شهر مشهد بر اساس مدل تحقیق اقدامی لوین بررسی شد. جامعه آماری ساکنین محلات موردنظر است و حجم نمونه در هر محله بیشتر از ۱۰ درصد جمعیت آن در نظر گرفته شده است. در مراحل مختلف از روش‌های مشاهده، مصاحبه‌های عمیق، جمع‌آوری نظرات بر روی بنر، پرسش‌نامه و جلسات استماع عمومی به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. نتایج این اقدام‌پژوهی که مبتنی بر تجزیه و تحلیل‌های تفسیری است، نشان می‌دهد، از یک طرف حضور سمن‌ها می‌تواند تا حدی خلأ موجود در مشارکت را حل نماید و به بهبود رابطه مدیریت شهری و شهروندان کمک کند، اما از طرف دیگر موانعی در این مسیر وجود دارد که عمدتاً به ضعف سازوکارهای قانونی مرتبط می‌شود. همچنین حضور این نهادهای واسط لازم است در تعریف پروژه‌های مشارکت مبنای مدنظر قرار گرفته و بسترهای لازم برای امتداد مشارکت و ادامه‌دار شدن گفتگوها با مردم پیش‌بینی گردد.

کلیدواژه‌ها: اقدام‌پژوهی، سازمان‌های مردم‌نهاد، کلان‌شهر مشهد، مشارکت.

## ۱. مقدمه

گفتمان شهرسازی جدید به منظور پرکردن خلأ بین تئوری و عمل و در راستای تحقق کیفیت‌های مطلوب شهری به سمت الگوهای مشارکتی حرکت می‌کند. ناکارآمدی اجتماع‌های محلی از جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیرساختی و دانش و آگاهی و نیز دشواری در سازمان‌دهی گروه‌های نمایندگی و پاسخگو، با وجود ناهمبستگی و بی‌اعتمادی، مانعی مهم بر سر راه مشارکت شهروندی محسوب می‌شود (آرنشتاین<sup>۱</sup>، ۱۹۶۹، ص. ۲۱۷). در نبود آمادگی کافی برای مشارکت، نمی‌توان به نتیجه‌ی مورد قبول دست یافت. بنابراین نیاز به سازمان‌ها یا گروه‌هایی به‌عنوان حلقه‌ی واسطه بین نهاد مجری و مردم احساس می‌شود تا بتوانند خلاءهای موجود را برطرف نمایند. با وجود انجام اقدامات عملی از سوی سازمان‌های غیردولتی معمولاً این فعالیت‌ها به‌صورت مدون، جمع‌بندی نمی‌شود و خلأ استفاده از این تجارب به لحاظ تئوریک وجود دارد؛ بنابراین این مقاله باهدف بررسی امکان استفاده از ظرفیت سمن‌ها در راستای بهبود اوضاع مشارکت در بستر اقتصادی و سیاسی ایران و در شهر مشهد، سعی در جمع‌بندی و ارائه تجربه در این رابطه دارد. با وجود محدودیت‌های قانونی موجود و نبود سازوکارهای قانونی مناسب برای مشارکت در ایران می‌توان به تقویت این سازمان‌ها برای آگاهی‌بخشی به شهروندان و مشارکت فعال در امور شهری پرداخت.

مشارکت عمومی در دهه‌های پایانی قرن بیستم به یکی از اصول مهم گفتمان برنامه‌ریزی و عنصر ارزشمند حقوق شهروندی و تصمیم‌سازی دموکراتیک در جهان تبدیل و بر لزوم برنامه‌ریزی مشارکتی با توجه به نیازهای جامعه هدف به‌جای رویکرد از بالا به پایین و تخصص محور مرسوم تأکید شده است (خان و سواپان<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳؛ گوتتا و والدراما<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹؛ ویلیامز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴؛ لوریان شاو<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹؛ براونیل<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹؛ کنراد<sup>۷</sup>، کریستی و فازی<sup>۸</sup>، ۲۰۱۱؛ گوردون<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۱۱؛ میشلز<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۱). مفهوم مشارکت توسط جریان نظریه و عمل برنامه‌ریزی ناشی از مردم‌سالاری در کشورهای توسعه‌یافته هدایت و سپس به کشورهای در حال توسعه صادر شده است. به این معنی که علیرغم کشورهای توسعه یافته که دارای نظام‌های دموکراتیک و پشتوانه‌های نهادی و قانونی برای مداخله شهروندان هستند، در کشورهای در حال توسعه با نظام سیاسی متمرکز، مشارکت کمتر رواج دارد (کانلی<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۰، ص. ۳۳۵).

شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد تلاش‌های صورت گرفته تاکنون اغلب اثربخش نبوده و با وجود پیشینه نظری نسبتاً گسترده در این حوزه، کمتر کارایی مشارکت در عمل در نظر گرفته شده است (کنراد<sup>۱۲</sup> و

1. Arnstin
2. Khan & Swapan
3. Gaventa & Valderrama
4. Williams
5. Laurian Shaw
6. Brownill
7. Conrad
8. Christie & Fazey
9. Gordon
10. Michels
11. Connelly
12. Conrad

همکاران، ۲۰۱۱؛ کینگ، فلتی و سوزل<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸؛ يتانو و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). فورستر (۲۰۰۶) معتقد است مشارکت عمومی در فرآیندهای برنامه‌ریزی می‌تواند غیرقابل پیش‌بینی، غیرقابل اعتماد و متغیر باشد و نابرابری‌ها ممکن است در این فرآیند مشکل ایجاد کند. بنابراین مشارکت عمومی باید توجه و تکنیک‌های کافی را به کار گیرد، از جسارت کافی برخوردار باشد و به راهبردهایی نظیر رهبری احزاب، دیپلماسی، تقسیم نقش‌ها و فعالیت‌های میانجی‌گری توجه کند. ویکتوریا برد موفقیت مشارکت را وابسته به توانایی شهروندان در شکل‌دهی به روابط همیارانه و هدایت دانش، زمان و منابع اقتصادی از طریق سازمان‌های جامعه مدنی می‌داند (فورستر، ۲۰۰۶، ص. ۲۱). علاوه بر این فعالیت اخیر نظریه‌پردازان در رابطه با مشارکت بیشتر بر طراحی فرآیندهای مشارکت عمومی آگاهانه، کارآمد، مشروع و دارای قابلیت ارزیابی متمرکز است (آبلسون<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۳، ص. ۲۳۰). کانلی (۲۰۱۰) در مطالعه‌ی خود به تبیین نقش برنامه‌ریزانی می‌پردازد که به عنوان افرادی با ارزش‌های سیاسی و فرهنگی در شرایطی دشوار با فرصت‌های محدود به واسطه ساختار حکمروایی سیاسی، زمینه تحقق مشارکت شهروندان را فراهم می‌کنند. وی در نتیجه‌ی این مطالعه ضمن اشاره به ضرورت تحلیل مشارکت در دامنه گسترده‌تری از شرایط سیاسی و نهادی، بر اهمیت درک ماهیت و نقش مقام‌های رسمی به‌عنوان افراد میانجی میان دولت و شهروندان تاکید می‌کند. همچنین تغییر ساختارهای نهادی و فرهنگی در کنار استفاده از تکنیک‌های مناسب را ضرورتی در راستای تحقق مشارکت می‌داند. یانگ و پندی نیز در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیده‌اند که مشارکت شهروندی در ترتیبات نهادی جای می‌گیرد و به‌وسیله عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فردی محدود می‌شود (یانگ و پاندی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۱، ص. ۱۰۲). بنابراین آگاهی شهروندان از عمل مشارکت و نقش نهادها در این آگاهی بخشی یا سازمان‌دهی شهروندان در قالب نهادها، می‌تواند یکی از راه‌های دستیابی به امر مشارکت باشد.

بررسی پژوهش‌ها نشانگر دو نوع رویکرد مثبت و منفی در رابطه با نقش‌آفرینی سمن‌ها است. مواردی نظیر مشارکت‌پذیری و نقش مهم این سازمان‌ها را در افزایش مشارکت گروه‌های مردمی در تصمیم‌گیری‌های دولتی، حکمروایی شهری و کاهش نقش دولت در تصمیم‌گیری‌ها، سکونتگاه‌های غیررسمی برای افراد فقیر و به حاشیه رانده شده، مسکن اجتماعی، توانمندسازی گروه‌های کم‌درآمد، جنبش‌های شهری و حقوق بشر از مسائل مورد توجه در نمونه‌های موردی است (دل گائو دیو<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۶؛ دولرز<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۸؛ هانگ<sup>۷</sup>، ۲۰۱۵؛ ندزی<sup>۸</sup>، ۲۰۰۹).

1. King, Feltey & Susel
2. Yetano
3. Abelsona
4. Yang & Pandey
5. Del Gaudio
6. Dolors
7. Hung
8. Ndezi

این مقاله در تلاش است تا با روایت یک فعالیت اقدام‌پژوهی از سوی یک سمن برای جلب مشارکت شهروندان در دو محله از شهر مشهد، به بررسی امکان‌پذیری و چالش‌های این موضوع بپردازد؛ بنابراین فرآیند اقدام‌پژوهی را در طول دو ماه انجام پروژه خانه بهار در شهر مشهد که باهدف استقبال از بهار در سطح محله و ایجاد نشاط در محیط محله با میانجی‌گری سازمان غیردولتی چهارطبقه در سال ۱۳۹۷ صورت گرفت، روایت می‌کند. در نهایت به جمع‌بندی از موانع و امکانات برای استفاده از نهادها به‌عنوان حلقه واسط مردم و مدیریت شهری و توصیه‌هایی برای بررسی بیشتر می‌پردازد.

مشهد به‌عنوان بزرگ‌ترین کلان‌شهر مذهبی ایران شناخته می‌شود. مهم‌ترین مسائل شهر مشهد شامل مسائل عدم توجه به خواسته‌ها و مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، حاشیه‌نشینی و عدم کنترل مهاجران در ورود به شهر، بی‌اعتمادی شهروندان به مدیریت شهری است (رهنما، مافی و اسدی، ۱۳۸۹، ص. ۲۱۱). شهر مشهد تاکنون تجربه‌ی تهیه‌ی ۳ طرح جامع را داشته است که در هیچ یک، شهروندان مشارکتی در تهیه و تصمیم‌سازی در مورد شهر نداشته‌اند. راه ارتباطی محلات و مردم با سیستم مدیریت شهری از طریق شورای اجتماعی محلات است که به دلیل منفعل بودن شهروندان در اداره‌ی امور شهری، بیشتر به صورت نمایشی فعالیت می‌کند. از سال ۱۳۸۶ تاکنون در ماه‌های انتهایی سال طرحی به منظور استقبال از بهار در شروع سال جدید در خیابان‌های اصلی شهر و با کمک هنرمندان به طراحی و جانمایی المان‌هایی در سطح شهر اجرا می‌شود. در سال ۱۳۹۷ برای نخستین بار، این طرح در دو بخش شهری و محلی تعریف شده که بخش شهری همچون سال‌های گذشته صورت گرفت، تحقق این رویداد در بخش محلی به شورای اجتماعی محلات سپرده شد. با توجه به فقدان سابقه‌ی اجرایی در این زمینه و ضعف بودن ساختار شورای اجتماعی محلات (زرقانی، جوشقانی، ۱۳۹۵، ص. ۱۰۷)، در نخستین تجربه، حضور نهادهایی به عنوان واسطه‌ی میان شهروندان و مدیریت شهری ضروری به نظر می‌رسید. در این پروژه دو محله از شهر مشهد (محلات اقبال در منطقه ۹ و امامیه در منطقه ۱۰) با توجه به آمادگی شهرداری منطقه مورد نظر برای انجام این پروژه و وجود بستری برای حضور شهروندان در این محلات انتخاب شد و بنیاد چهارطبقه به عنوان یک سمن فعال در حوزه شهرسازی در شهر مشهد به عنوان مشاور و مجری طرح انتخاب گردید.

پس از بررسی سابقه موضوع در پژوهش‌های داخلی و خارجی، این پژوهش در پاسخ به دو خلأ اصلی تدوین شده است. اول اینکه بررسی اقدامات این سمن‌ها در حوزه شهرسازی در بستر ایران و بر پایه روشی علمی که بتواند به‌عنوان بستری برای سایر گروه‌ها باشد، صورت نگرفته است و تجارب این سازمان‌ها در محیط علمی مغفول مانده است؛ موضوع دوم نیاز به استفاده از روشی بدیع است که در نهایت بتواند با اثرگذاری بر کلیه ذی‌نفعان، منجر به تغییر شود. این پژوهش با اتخاذ رویکرد اقدام‌پژوهی مشارکتی در این راستا گام برمی‌دارد.

## ۲. روش‌شناسی

به لحاظ روش‌شناسی این پژوهش با در نظر گرفتن اصول پارادایم تفسیرگرا، دارای ویژگی‌های تحقیقات کاربردی است، چراکه به دنبال ارائه راه‌حل‌هایی برای جذب مشارکت مردم در پروژه‌های شهری است. از نوع تحقیقات کیفی محسوب شده و پژوهشی میدانی است. استراتژی این تحقیق از نوع اقدام‌پژوهی مشارکتی باهدف توصیف، تفهیم و تغییر است. سه عنصر اساسی موجود در هر پروژه اقدام‌پژوهی مشارکتی شامل همکاری با یک جامعه، مشارکت جامعه هدف، ارزیابی پس از اجراست (استریت<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵، ص ۱۹۷). بر اساس مدل استرینگر<sup>۲</sup> (۱۹۹۶) این عناصر ضروری در طی دوره‌های مختلف برنامه‌ریزی، اجرا و پایش مورد بررسی قرار گرفت. در مرحله برنامه‌ریزی، بحث گسترده، رسمی و مستند با شرکت‌کنندگان در مورد درک آنها از این مشکل و اقدامات لازم برای دستیابی به تغییرات مورد نظر انجام شد. در مراحل اجرا، محققان و شرکت‌کنندگان برنامه‌ها را اجرا کردند. در مراحل پایش، اهداف مجدداً مورد ارزیابی قرار گرفته و محققان با مشارکت‌کنندگان در مورد اعتبار و تفسیر داده‌های جمع‌آوری شده گفتگو نمودند. ارکان پژوهش در جدول زیر آورده شده است.

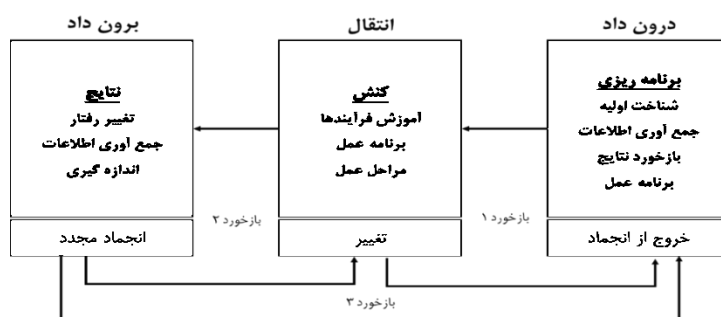
## جدول ۱. ارکان پژوهش

سفارش‌دهندگان و ناظران پژوهش	اداره شورای اجتماعی محلات مشهد شهرداری منطقه ۹ و ۱۰: معاونت‌های شهرسازی، اجرایی و فرهنگی، اداره‌ی شورای اجتماعی محلات شورای اجتماعی محلات اقبال و امامیه
پژوهشگر	دبیر پویش مردمی خانه بهار
مجریان	سرپرست گروه: دانش‌آموخته طراحی شهری اعضا: ۳ نفر دانش‌آموخته شهرسازی و ۳ نفر دانشجوی شهرسازی عضو چهارطبقه در مرحله اجرا ۱۵ نفر دانشجوی شهرسازی به اعضا اضافه شدند. در منطقه ۱۰، ۵۰ دانشجوی معماری و شهرسازی غیر عضو چهارطبقه به اعضا اضافه شدند.

هنگام استفاده از روش‌های اقدام‌پژوهی مشارکتی، پژوهشگر و پژوهش‌شونده جدای از هم نبوده و به‌عنوان همکار به‌منظور تعریف مشکل، اقدام و ایجاد تغییر باهم کار می‌کنند (پارک<sup>۳</sup>، ۱۹۹۲، ص ۴۹). برخلاف نقش سنتی پژوهشگر به‌عنوان ناظر و اعضای جامعه به‌عنوان موضوع تحقیق، تقسیم مسئولیت و قدرت در اقدام‌پژوهی مشارکتی باعث ایجاد پیوند میان محقق و جامعه می‌شود که روابط، دانش و تغییرات اجتماعی را در دراز مدت ایجاد می‌کند (بارنز<sup>۴</sup>، ۱۹۹۲؛ برزفورد<sup>۵</sup>، ۱۹۹۲؛ هندرسون<sup>۶</sup>، ۱۹۹۵). یکی از مهم‌ترین اصول در روش اقدام‌پژوهی معرفی

1. Street
2. Stringer
3. Park
4. Barnes
5. Beresford
6. Henderson

پژوهشگر به عنوان روایتگر داستان پژوهش است. نویسنده اول این پروژه یک زن ۳۱ ساله، دارای تحصیلات در رشته‌ی طراحی شهری و فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد می‌باشد از ابتدای شکل‌گیری سازمان مردم‌نهاد چهارطبقه به عنوان یکی از اعضای موسس در این سمن فعالیت می‌کند. در پروژه‌ی خانه‌ی بهار به عنوان دبیر پروژه و واسط بین گروه‌ها و شهرداری عمل نموده است. محدوده مورد مطالعه دو محله در غرب کلان‌شهر مشهد که از توسعه‌های نسبتاً جدید است، انتخاب شده است. محله اقبال در منطقه ۹ شهرداری و محله امامیه در منطقه ۱۰ شهرداری مشهد واقع شده است و موضع طراحی در این دو محله مرکز محله در نظر گرفته شده است که بارزترین ویژگی آن وجود مسجد و کابری‌های تجاری مقیاس خرد است. متغیر مستقل در این پژوهش عملکرد سازمان مردم‌نهاد چهارطبقه است و متغیر وابسته میزان مشارکت شهروندان است که از جنس متغیرهای کیفی می‌باشد که برای بررسی آن از روش‌های مختلف نظیر مشاهده، مصاحبه‌ی عمیق (۲۴۲ مصاحبه در محله اقبال و ۶۲ مصاحبه در محله امامیه)، جمع‌آوری نظرات بر روی بنر (۴۰۶ نظر مربوط به محله اقبال و ۳۹۴ نظر مربوط به محله امامیه)، جلسات استماع عمومی و ... جهت دستیابی به داده‌ها استفاده شد تا نگاهی همه‌جانبه صورت گیرد. با توجه به رویکرد کیفی پژوهش و روش اقدام‌پژوهی استفاده شده، نمونه‌گیری به صورت هدفمند و بر مبنای حضور کابران در فضا صورت گرفته و حجم نمونه در هر دو مرحله بیشتر از ۱۰ درصد جمعیت محله است که در محله اقبال ۶۴۸ نفر و در محله امامیه ۶۶۴ نفر بوده است. پایایی اقدام‌پژوهی معمولاً با ارزیابی و پایش تغییر رفتارها بررسی می‌گردد (ماکینف و وایتهد، ۲۰۰۲، ص. ۹۵). در مرحله سوم که به بررسی نتایج پراخته شده است، تعداد ۱۰۰ پرسشنامه با توجه به جمعیت محله اقبال و استفاده از فرمول کوکران در این محله تکمیل شده است. گزارش اقدام‌پژوهی بی‌شبهت به شرح احوال نیست و گنجاندنش در چارچوب متعارف علمی، مشکل معمول آن است (سامان پور، برک پور، مقصودی؛ ۱۳۹۷، ص. ۴۶). در ساختار و فرآیند کلی پژوهش از مدل فرآیند تحقیق اقدامی لوین استفاده و سه مرحله برنامه ریزی، کنش و نتایج طی شده و در هر مرحله بازخوردهای مرحله قبل در فرآیند دیده شده است. در ادامه بر اساس شکل ۱، به تشریح روایت این تحقیق پرداخته شده است.



شکل ۱. مدل فرآیند تحقیق اقدامی مأخذ: (لوین ۱۹۵۸ به نقل از ایمان، ۱۳۹۴)

## ۳. یافته‌ها

## ۱.۳. روایت فاز نخست: درونداد - برنامه‌ریزی

**شناخت اولیه:** در اولین مرحله، جلسه‌ای با حضور معاونین شهرسازی، اجرایی و فرهنگی، دبیر پویش و همچنین سرپرستان تیم‌ها در هر منطقه برگزار گردید. در این جلسه هدف و فرآیند پروژه، برنامه زمان‌بندی و سازوکارهای اجرایی معرفی شده و پیشنهادهای مسئولین منطقه اخذ گردید. سپس باتوجه به شناخت اولیه تیم، محلات هدف مورد بررسی قرار گرفت و جلوخان مسجد امام محمدباقر (ع) واقع در محله امامیه (منطقه ۱۰) و مرکز محله اقبال (منطقه ۹) انتخاب گردید. معیارهایی نظیر داشتن پیشینه طولانی سکونت، ارتباط و مشارکت ساکنان در امور مربوط به محله و وجود مرکز محله تعریف شده در انتخاب محدوده مؤثر بوده است.

پس از انتخاب محلات هدف، تیم‌های طراحی در محل حضور یافته و طی بازدیدهای میدانی اولیه از محدوده، اولین مرحله از فرآیند مشارکت را با برقراری تعامل و گفت‌وگو با ساکنان آغاز نموده‌اند. در این مرحله ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان اصلی و زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هویتی محله مورد شناسایی مقدماتی قرار گرفت.

**جمع‌آوری اطلاعات:** در اولین گام از ارتباط با مردم از طریق نصب بنر در محیط، نیازهای آنان دریافت شد. در طول فرآیند دریافت نظرات به صورت نوشتاری، اعضای تیم طراحی در کنار بنر حضور داشته و هدف از انجام پروژه، سطح و مقیاس تغییرات را برای ساکنان توضیح و تشریح نموده‌اند. در بنر طراحی شده، تعدادی فضای خالی که جمله «دوست دارم اینجا...» در آنها نوشته شده بود وجود داشت و ساکنان آن را تکمیل کردند.

هم‌زمان با دریافت نظرات ساکنان و کسبه به صورت کتبی، از طریق مصاحبه‌های چهره‌به‌چهره و شفاهی نظرات تکمیلی کاربران فضا پرسیده و در انتهای هر روز مصاحبه‌ها جمع‌بندی و پیاده‌سازی شده است. مصاحبه‌ها به صورت هدفمند و با کاربرانی که از فضای مرکز محله استفاده می‌نمودند صورت گرفت. سؤالاتی از قبیل مهم‌ترین مشکلات محله شما چیست؟ چه نیازهایی در محله‌تان احساس می‌کنید؟ برای برطرف کردن ای نیازها چه پیشنهادهایی دارید؟ اگر شهرداری مبلغی را به محله شما اختصاص دهد، ترجیح می‌دهید آن را کجا هزینه کنید؟ سؤالاتی بود که در هر دو محله از ساکنان پرسیده شد. فرآیند دریافت نظرات مردم در چند روز متوالی ادامه داشته و باگذشت زمان میزان استقبال کاربران بیشتر شده است. در محله اقبال، در سومین روز از نیازسنجی مکتوب، مشارکت اهالی محله نسبت به روزهای گذشته افزایش یافته که حاکی از جلب اعتماد شهروندان نسبت به اعضای تیم طراحی است. نصب بنر دوم با مشارکت ساکنان صورت گرفت و نظرسنجی به صورت مداوم در هفته اول صورت گرفت.

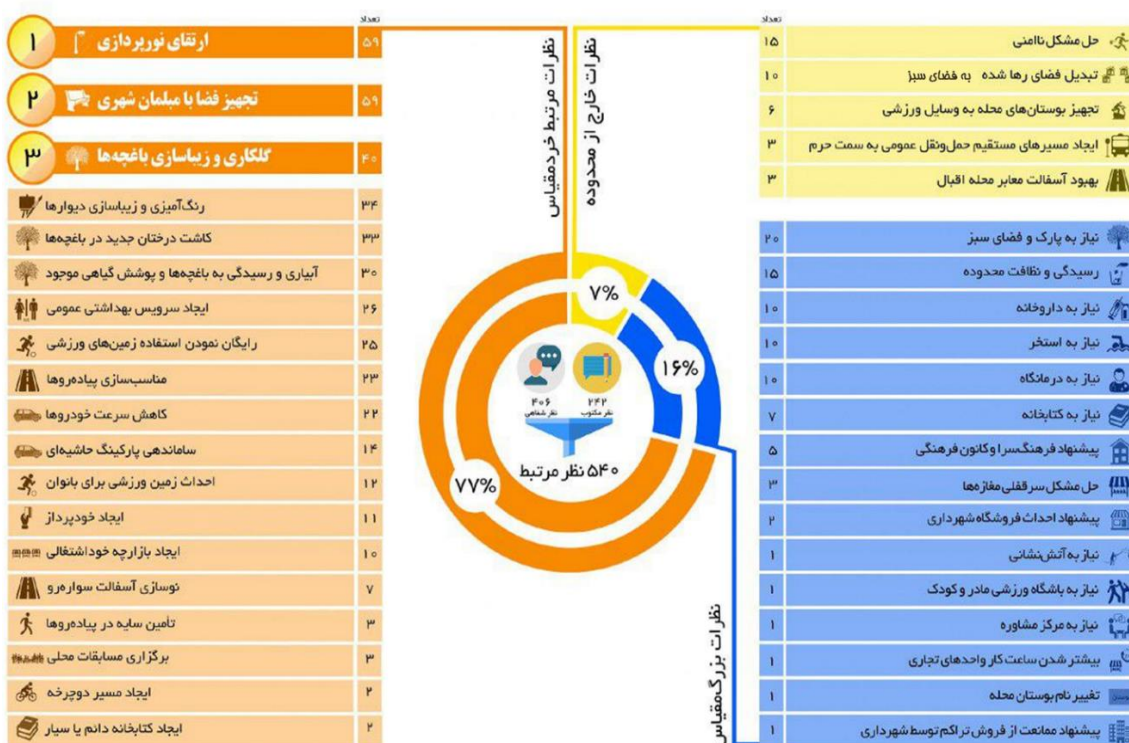


شکل ۲. نصب بنر نظرسنجی دوم در محله ای اقبال توسط ساکنین

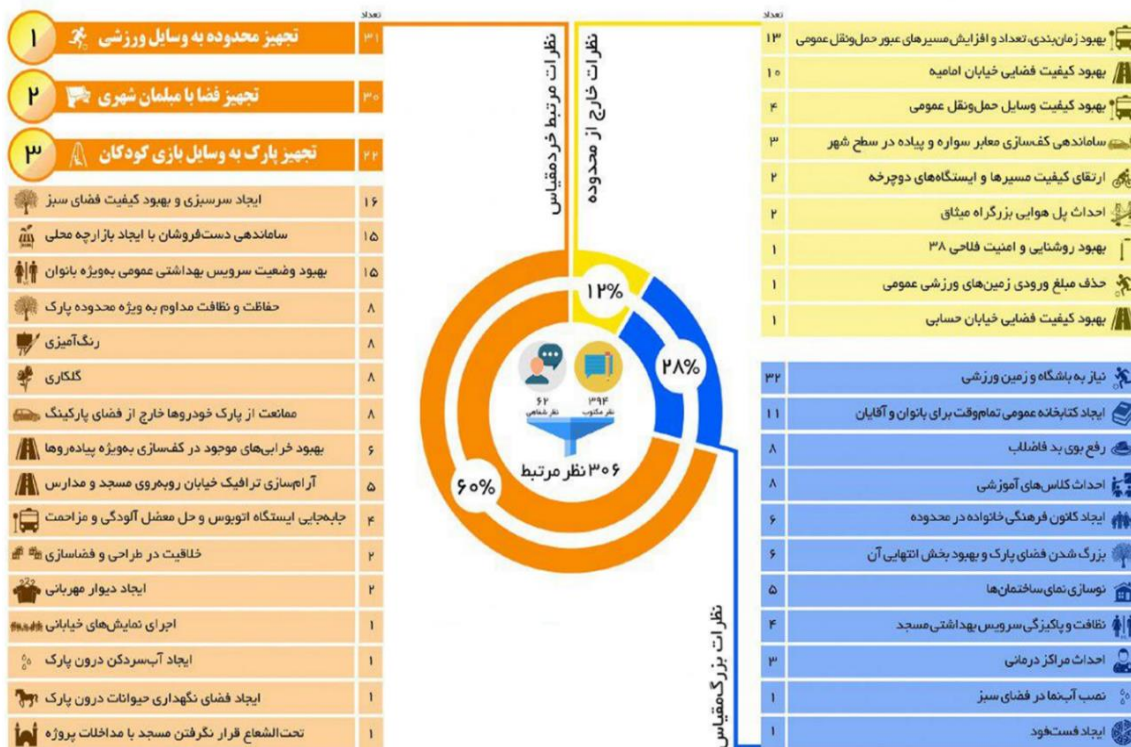
همچنین شناخت محدوده مورد مطالعه به لحاظ کاربری و فعالیت، دسترسی، تراکم، پوشش گیاهی و... در این مرحله صورت گرفت. اعضای تیم طراحی در محله اقبال سعی داشته اند تا حد ممکن با حضور در سایت و در کنار مردم کلیه مراحل را انجام دهند. این روند موجب بهبود سطح اعتماد ساکنان و افزایش تعاملات در طول پروژه شد. در حالی که شناخت و پیاده سازی نقشه های مربوط به آن در مورد محله امامیه در خارج از محدوده و در محیط آتلیه ای صورت گرفت.

**بازخورد نتایج:** پس از دریافت نیازها، همه موارد درخواستی شهروندان جمع بندی شد. در مجموع در محله اقبال ۴۰۶ نظر شفاهی و ۲۴۲ نظر مکتوب به دست آمد. از آنجا که نظرات بایستی کاملاً مرتبط به محدوده مشخص شده می بودند، نظراتی که مربوط به محدوده های اطراف بود حذف شد. همچنین به دلیل داشتن سقف مالی محدود در اجرای پروژه، نظراتی که خارج از مقیاس مالی بود نیز حذف گردید. در مجموع ۵۴۰ نظر مرتبط وجود داشته که دسته بندی شده و بر مبنای بیشترین تعداد تکرار اولویت بندی شده اند. در محله امامیه نیز ۳۹۴ نظر مکتوب، ۶۲ نظر شفاهی و ۳۰۶ نظر مرتبط وجود داشت (شکل ۳ و ۴).





شکل ۳. نتایج نیازسنجی مرحله ۱ در محله اقبال



شکل ۴. نتایج نیازسنجی مرحله ۱ در محله امامیه

**برنامه عمل:** نتایج نیازسنجی برای مشخص شدن برنامه عمل در جلسات استماع عمومی برای مردم ارائه داده شد تا موارد اصلاحی در اولویت بندی ها عنوان شود. نخستین جلسه استماع عمومی در محله شهرک شهربانی با دعوت از مسئولین و مردم به طور همزمان برنامه ریزی شد تا از این طریق شکاف ایجاد شده بین مدیران و مردم کمتر شده و اعتمادسازی و تعامل دوسویه در جهت ادامه روند طرح صورت پذیرد. مشارکت و همراهی شهروندان محله در این جلسه بسیار خوب و تأثیرگذار بود که نشان از انسجام اجتماعی و حس تعلق بالای مردم نسبت به محله شان داشت. در این جلسه معاونت فرهنگی شهرداری مشهد و نیز مدیران شهرداری منطقه نه حضور داشته و به طور مستقیم و بی واسطه با مردم گفت و گو نمودند. در محله امامیه نیز در تاریخ ۴ بهمن ۱۳۹۷ جلسه تشکیل شد. مردم با تعداد کمتری حضور یافتند و مطالبات غیر مرتبط به پروژه را در گفتگو با مدیران شهری مطرح کردند. در این جلسه یکی از اعضای شورای شهر نیز از جانب مدیریت شهری حضور داشت. نتایج نظرسنجی و اولویت بندی نیازها در هر دو محله تأیید شد و تغییری نکرد.



شکل ۵. برگزاری جلسه استماع عمومی در محلات برای جمع بندی نظرات، راست: محله امامیه، چپ: محله اقبال

پس از برگزاری جلسه گفت و گوی عمومی و مشخص شدن اولویت ها و نیازها در محدوده، نتایج حاصل از مرحله اول بر روی بنری در مرکز محله نصب و به مدت یک هفته در دسترس همگان قرار گرفت. این مرحله به دلیل حضور نداشتن اکثر مردم در جلسه استماع عمومی به مراحل برنامه ریزی شده از قبل اضافه شد تا تعداد بیشتری از مردم در جریان امور قرار گیرند.

### ۲.۳. روایت فاز دوم: انتقال - کنش

**آموزش فرایندها:** در این مرحله شهروندان پس از حضور در جلسات استماع، نسبت به چگونگی انجام فرآیند و نحوه تأثیرگذاری خود در تصمیم گیری ها تا حدودی مطلع شدند. کارکنان شهرداری نیز به این دلیل که برای نخستین بار با چنین فرایندی کار می کردند، از ادامه روند مطلع شدند.

**برنامه عمل:** همزمان با ارائه نتایج نظرسنجی به ساکنان، به صورت موازی ایده های تبدیل نیازها به طرح تدوین و با مدیریت شهری منطقه به مشورت گذاشته شد. پس از ارائه ایده های اولیه طراحی به شهرداری منطقه، جلسات

حضور در محل پروژه به منظور بررسی دقیق چگونگی اجرای پروژه و تخمین اولیه نیازها از سوی شهرداری و تیم طراحی برگزار گردید. در این جلسات مقرر گردید، برخی مقدمات اجرای پروژه‌ها و طرح‌های پیشنهادی از قبیل بهسازی باغچه و لکه‌گیری کف‌سازی توسط معاونت اجرایی شهرداری صورت گیرد.

**مراحل عمل:** هم‌زمان با هماهنگی‌های صورت‌گرفته با شهرداری منطقه و تبدیل نیازها و اولویت‌ها به ایده‌های طراحی، مکان‌های دارای پتانسیل برای پاسخگویی به نیازها مشخص شده و برای بار دوم از مردم خواسته شد تا در مورد تغییرات احتمالی و تعبیه هر فضا به محلی برای نیازهای عنوان شده، نظر دهند. در این مرحله در ۳ نقطه از محدوده که گزینه‌های مختلفی در راستای پاسخ به الویت‌های برای آنها وجود دارد از طریق نصب بنر، نظرسنجی صورت گرفت.

پس از نصب بنر مربوط به نظرخواهی در مورد عملکرد هر یک از خرد فضاها، گروه‌های سنی و جنسی مختلف، با سلیقه‌های گوناگون و مقاصد متفاوت حضور یافته و به ارائه نظرات در مورد هر یک از گزینه‌های مربوط به خرد فضاها پرداختند. پس از مشخص شدن ایده‌های منتخب برای هر یک از فضاها، گروه طراحی ایده‌ها را به گزینه‌های قابل اجرا تبدیل کرد. در مرحله بعد، طرح‌های ارائه شده از دو طریق به مشورت با ساکنان گذاشته شد و پس از اعمال نظر ساکنان در طرح اولیه، طرح فاز یک پروژه تهیه و سپس برای تهیه طرح فاز دو در اختیار شهرداری منطقه قرار گرفت. طرح‌های ارائه شده ابتدا روی بنرهای چاپ و به مدت ۳ روز در معرض عموم قرار گرفت و پس از آن در جلسه‌ای با حضور ساکنان محله، طرح‌ها ارائه شد و در رابطه با آنها نظرخواهی صورت گرفت. لازم به ذکر است، انجام دو مرحله‌ی نظرسنجی با ساکنان محله علاوه بر این که به غنای پیشنهادات ارائه شده کمک نمود، موجب افزایش احساس تعلق ساکنان به طرح‌های پیشنهادی شد و فرآیندهای اجرا، بهره‌برداری را تسهیل کرد.



شکل ۶. نمونه‌ای از طراحی فضاها - چپ: محله امامیه، راست: محله اقبال

اجرای پروژه‌های پیشنهادی به دو بخش تقسیم شد. برخی از اقدامات از جنس اقدامات عمرانی بوده و اعضای گروه قادر به انجام آن نبودند. دسته دوم نیز اقداماتی است که در حیطه تخصصی شهرسازان نیست؛ ولی به دلیل عام بودن موضوع گروه‌های تسهیلگری در هر منطقه به دلیل جلوگیری از قطع ارتباط با ساکنان در آخرین مرحله پروژه،

دست به انجام آن زدند. در محله اقبال اقدامات دسته اول شامل بهسازی باغچه‌ها، مذاکره با مسجد برای بازنگه‌داشتن سرویس بهداشتی، تعبیه رمپ در مسیر بازارچه، هماهنگی لازم با شرکت برق و ارتقا روشنایی بازارچه، تعمیر و لکه‌گیری کف‌سازی مسیر بازارچه، جانمایی مبلمان شهری در بازارچه (نیمکت، سطل زباله، بولارد و...)، خط‌کشی حاشیه‌ای پارک وسایل نقلیه و گذر عرضی پیاده در چهارراه مدرسه بود که شهرداری منطقه ۹ اجرای آن را با نظارت نهاد چهارطبقه در دستور کار قرارداد. دسته دوم مواردی است که نهاد چهارطبقه به اجرا و بهره‌برداری از آنها پرداخت. برگزاری مسابقه نقاشی روی چوب، اجرای نقاشی دیواری با مشارکت مردم، ساخت و اجرای سقف‌های پیشنهادی، اجرای طرح بازی‌های پیشنهادی کودکان در کف فضای بین بلوک‌ها، ساخت و اجرا مبلمان ترکیبی پیشنهادی برای فضاهای بین بلوک‌ها، طراحی خلاقانه گذر عرضی پیاده را می‌توان به‌عنوان برخی از این‌گونه موارد برشمرد.



شکل ۷. نمونه‌ای از طراحی فضاها - طراحی خلاقانه گذر عرضی پیاده

در محله امامیه نیز اقدامات دسته اول شامل بهسازی باغچه‌ها، جمع‌آوری کانکس‌های سرویس بهداشتی، ساخت باغچه در کنار دیوار مقابل مسجد، ساخت قاب برای نصب کاشی‌ها، خط‌کشی عرضی گذر عابر پیاده، جمع‌آوری جدول موجود در مسیر عابر پیاده، مناسب‌سازی مسیر عابر پیاده با استفاده از سرپوشیده نمودن جوی و تعبیه رمپ، خرید و نصب دو عدد میز شطرنج و میز پینگ‌پنگ است و در گروه دوم، طراحی و اجرای بازی‌های خلاقانه در پارک، رنگ‌آمیزی پارک به‌صورت مفهومی و متناسب با بازی‌های طراحی‌شده و نقاشی مبلمان شهری و طراحی و ساخت ۱۵۰ لوح کاشی برای شکل‌گیری تابلو واحد و یکپارچه با همکاری دانشگاه خیام قرار گرفت.

### ۳.۳. روایت فاز سوم: برون‌داد

**تغییر رفتار:** به نظر می‌رسید، در این فرآیند تغییراتی در نحوه مواجهه ساکنین در دو محله رخ داد که بعضاً قابل توجه بوده است. ساکنین محله اقبال که بیشتر در جریان پروژه قرار گرفته‌اند و از ابتدا امید زیادی به اجرای پروژه‌ها توسط شهرداری نداشتند و بی‌اعتمادی نسبت به شهرداری منجر به عدم مشارکت آن‌ها حتی در فرآیند اعلام نیازها می‌شد، در انتهای فرآیند و اجرای پروژه به کمک گروه آمده بود و اجرای بخشی از کار را به عهده گرفته بود.

همکاری‌هایی برای جمع‌کردن ضایعات از نماهای تجاری برای زیباسازی جداره‌ها که در ابتدای فرآیند با مخالفت کسبه همراه بود، در زمان اجرا به‌صورت خودجوش اتفاق افتاد. در محله امامیه همان‌طور که پیش‌تر گفته شده بود، به دلیل انتخاب نادرست محدوده و محلی نبودن آن، بیشتر هیئت‌امنای مسجد و مراجعان به مسجد در جریان پروژه قرار گرفتند و تغییر نحوه همکاری در این گروه نیز ملاحظه شد؛ به‌طوری‌که بخشی از فضای مسجد را به‌عنوان انبار برای قراردادن وسایل کارگاه عملیات عمرانی اختصاص دادند و در رابطه با اجرای پروژه نیز نظارت بیشتری صورت گرفت.

**جمع‌آوری اطلاعات:** پس از تعریف پروژه در دو محله و گذشت بیش از یک ماه از اجرای آن به‌منظور اثرسنجی اقدام صورت گرفته، مشاهدات میدانی و پرسش‌نامه‌هایی تکمیل شد. همان‌طور که عنوان شد باتوجه‌به ساکن نبودن ذی‌نفعان پروژه محله امامیه، امکان مصاحبه و تکمیل پرسش‌نامه از این محله وجود نداشت؛ بنابراین در مرحله جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل آن در محله اقبال انجام شده است. باتوجه‌به جمعیت ۲۹۹۴۰ نفری محله اقبال و با در نظر گرفتن ضریب خطای ۰/۱ بر اساس فرمول کوکران تعداد ۹۶ پرسشنامه بایستی تکمیل می‌شد که در نهایت ۱۰۰ پرسشنامه از ساکنین و کسبه تکمیل گردید.

جدول ۲. سیمای پاسخگویان

سن		شغل		تحصیلات		سابقه سکونت	
تعداد	گروه‌ها	تعداد	گروه‌ها	تعداد	گروه‌ها	تعداد	گروه‌ها
۶	کمتر از ۲۵ سال	۳۸	خانه دار	۵۶	زیر دیپلم و دیپلم	۳۸	کمتر از ۵ سال
۲۶	بین ۲۵ تا ۳۵ سال	۲۴	بازنشسته	۱۰	فوق دیپلم	۱۰	بین ۵ تا ۱۰ سال
۱۴	بین ۳۵ تا ۴۵ سال	۲۲	آزاد	۲۶	کارشناسی	۶	بین ۱۰ تا ۱۵ سال
۱۰	بین ۴۵ تا ۵۵ سال	۸	کارمند	۶	کارشناسی ارشد	۸	بین ۱۵ تا ۲۰ سال
۴۴	بیشتر از ۵۵ سال	۸	فرهنگی	۲	دکتری	۳۸	بیشتر از ۲۰ سال

گزاره‌هایی نظیر متوجه تغییراتی در محله شده‌ام، در برنامه‌های اجرا شده مشارکت داشته‌ام، پس از اجرای این پروژه برای محله ایده و طرح دیگری دارم، اختصاص نمره‌ای به عملکرد شهرداری مشهد و مقایسه آن با عملکرد شهرداری در کل شهر، از جمله مواردی بوده است که به‌منظور بررسی تغییر رویکرد از ساکنین جمع‌آوری شده است. علاوه بر این در بخشی دیگر سؤالاتی که مشارکت و حس تعلق ساکنان را مورد بررسی قرار می‌دهد، پرسیده شد.

۸۶ درصد از پاسخگویان در پاسخ به این سوال که آیا متوجه تغییراتی در محله خود، در ایام نوروز شده‌اند، جواب مثبت داده‌اند و به تغییراتی شامل رنگ آمیزی دیواری محیطی، رنگ آمیزی دیواری مدرسه، گذاشتن صندلی در محدوده بازار، ایجاد رمپ برای عبور، گذاشتن سکو در محدوده بازار و ترمیم جداول اشاره کرده‌اند.

همه پاسخگویان در پاسخ به این سؤال که "آیا در برنامه‌های اجرا شده (دیگری به‌غیر از این برنامه) در سطح محله مشارکت داشته‌اند یا خیر" پاسخ خیر داده‌اند. ولی ۷۲ درصد از پاسخگویان در پاسخ به این سؤال که "آیا پس از اجرای این طرح، ایده و طرح دیگری برای محله خود دارند، پاسخ مثبت داده‌اند.

میانگین نمره پاسخگویان به عملکرد شهرداری (به‌طور کلی) در این محله برابر با ۱۸,۳۸ بوده که در مقایسه با نمره کلی ساکنین به اقدامات صورت گرفته در محله در قالب خانه بهار محله در ایام نوروز (۱۵,۹۸) بیشتر بوده است.

**اندازه‌گیری:** در این بخش با توجه به هدف در نظر گرفته شده برای این پژوهش به اندازه‌گیری اثرگذاری اقدامات سازمان‌های غیردولتی متخصص در امور شهرسازی در مشارکت بیشتر شهروندان در امور مربوط به محله، ارتقای احساس تعلق به محله و در نهایت افزایش کیفیت‌های محیطی در محله پرداخته شد. به این منظور گزاره‌های زیر توسط ساکنان محله اقبال تکمیل شد. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، درصد بالایی از توجه به امور محله و حساسیت نسبت به آن در بین ساکنین وجود دارد و از آنجاکه در هنگام پرسش از آنان خواسته شده تا باتکیه بر اقداماتی که در پروژه خانه بهار صورت گرفته، به سؤالات پاسخ دهند، بالابودن حس تعلق و تمایل به مشارکت در امور محله در این محله قابل توجه است.

### جدول ۳. سنجش و اندازه‌گیری اهداف

مخالف	تاحدودی	موافق	گزاره
۰	۰	۱۰۰	من خودم را عضوی از این محله می‌دانم و مسائل موجود در آن برای من اهمیت دارد.
۷۴	۱۰	۱۶	در صورتی که توانایی مالی داشته باشم از این محله خواهم رفت.
۶	۱۰	۸۴	من نسبت به آنچه که در محله‌ام می‌گذرد، حساسیت نشان می‌دهم.
۰	۰	۱۰۰	اگر کسی به درختان، سطل‌های زباله و... در محله آسیب بزند؛ به او تذکر می‌دهم.
۰	۰	۱۰۰	اگر کسی به طرح‌ها، نقاشی‌ها و... اجرا شده در محله آسیب بزند؛ به او تذکر می‌دهم.
۶	۴	۹۰	در صورت ایجاد مشکل در محله، با شهرداری تماس می‌گیرم.
۲۲	۱۴	۶۴	با همسایگانم در رابطه با مشکلات محله و مسائل موجود گفتگو می‌کنم.

در این مقاله سعی شده است به بررسی چگونگی اثرگذاری این اقدامات سازمان‌های غیردولتی متخصص در امور شهرسازی در افزایش آگاهی شهروندان، مشارکت بیشتر آنان در امور مربوط به محله، ارتقای احساس تعلق به محله و در نهایت افزایش کیفیت‌های محیطی در محله پرداخته شود. براین اساس، با روایت نمونه‌ای از اقدامات این سازمان‌ها در یک فرآیند اقدام‌پژوهی مشارکتی، به موضوع پرداخته شده است. هدف از این پژوهش بیشتر بر جنبه‌های انتقال تجربه در سایر موارد مشابه استوار است و می‌توان از طریق در کنار هم قراردادن تجربیات مشابه به الگویی مؤثر در مداخله و مشارکت شهروندان با کمک سازمان‌های غیردولتی رسید. حضور سازمان‌های غیردولتی در نقش نهاد میانجی، به‌عنوان پاسخ به ساختار نسبتاً بالابه‌پایین مدیریت شهری و همچنین عدم توجه به نظرات مردم به

دلیل تخصصی نبودن نظرات در توسعه شهری در ایران، می‌تواند به مشارکت شهروندان در فعالیت‌های کیفیت‌بخشی به محیط شهری، به‌ویژه در مقیاس‌های کوچک‌تر، کمک کند.

#### جدول ۴. ارزیابی نقش سازمان مردم‌نهاد در افزایش مشارکت پذیری

گروهی تأثیرگذار	قبل از انجام پروژه	بعد از انجام پروژه
مدیریت شهری	تصمیم‌گیری از بالابه‌پایین در همه سطوح	ایجاد اشتیاق برای انجام پروژه‌های مقیاس خرد به‌صورت مشارکتی عدم ایجاد اعتماد به این روش برای پروژه‌های با مقیاس کلان
سازمان مردم‌نهاد	عدم وجود اعتماد به نفس کافی در بین اعضا برای انجام اقدامات عملی نبود تیم‌سازی در اجرای پروژه‌ها	افزایش انگیزه اعضا افزایش تعداد اعضا
شهروندان	وجود موضع منفی نسبت به شهرداری و نبود اطمینان از تحقق پروژه	محلّه اقبال: به دلیل انتخاب درست موضع طراحی، در اجرای پروژه و نگهداری از آن مؤثر بودند و به موارد اجرا شده احساس تعلق دارند. محلّه امامیه: به دلیل انتخاب نادرست موضع طراحی، در طول فرآیند مشارکت نداشته‌اند و فقط نتایج را ملاحظه نمودند. پس از اجرا هم در نگهداری از فضا تأثیرگذار نبودند

#### ۴. بحث

بررسی تجربه مشارکت شهروندان و ارائه نظریات و رویکردهای مختلف در این زمینه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های موجود شهرسازان مطرح شده است. در این میان کمبود نمونه‌هایی از مطالعات که بر مبنای نمونه‌های عملی از اقدامات مشارکتی با شهروندان به بیان چالش‌ها، موانع و دستاوردهای نگاه مشارکت‌محور پردازند در مطالعات به‌ویژه در مطالعات داخلی وجود دارد. علاوه بر این تأثیر حضور یک سمن در انجام پروژه‌های مشارکتی علی‌رغم اشاره به این نوع نقش‌آفرینی آن‌ها، در مشارکت‌پذیری مورد بررسی قرار نگرفته است. در مجموع پس از بررسی دستاوردهای این پژوهش می‌توان به نکات زیر اشاره کرد. اول، این پروژه امکان سازماندهی جمعی، اجتماعی شدن و تقویت حس تعلق را فراهم می‌کند. این نتایج با سایر مطالعاتی که پتانسیل پروژه‌های محلی و پایه‌ای توسط شهروندان را در توانمندسازی اعضای جامعه و بهبود پیوندهای اجتماعی نشان می‌دهند همسو هستند (الدر و گرلاک، ۲۰۱۹؛ هو، ۲۰۱۰؛ نیومن و همکاران، ۲۰۰۸).

دوم، در این نوع پروژه‌ها با رویکرد از پایین که با راهنمایی یک سمن و با کمک مردم محلی انجام می‌شود، ابتکارات شهروندی قابل‌مشاهده است و این امر در بسیاری از موارد به مشارکت بیشتر ساکنان کمک می‌کند. این

نتایج مثبت در مورد بهبودهای فیزیکی و محیطی با نتایج برجسته شده توسط ایگالا و همکاران (۲۰۱۹) مطابقت دارد. همچنین این پروژه‌ها پتانسیل بررسی گزینه‌های برنامه‌ریزی جایگزین را ارائه می‌دهند (الدر و گرلاک، ۲۰۱۹). اما بستر بروز این گزینه‌ها باید درست انتخاب شود تا امکان مشارکت وجود داشته باشد (ون و ایمرش و همکاران، ۲۰۱۹). به این موضوع در برخی مطالعات اشاره شده بود و در پژوهش عملی صورت گرفته در خانه بهار بر آن تأکید شد (اورنتزدر و روراچر، ۲۰۱۳؛ باکر و همکاران، ۲۰۱۲) و شهرداری مشهد با الگویی متفاوت از برنامه‌ریزی آشنا شد که در پروژه‌های با یان مقیاس امکان کاربست دارد.

در مجموع آنچه این پروژه را از سایر پژوهش‌ها متمایز می‌کند، تأکید بر بعد عملی است که می‌تواند زمینه‌ساز تئوری‌پردازی و تجدیدنظر در نظریات مربوط به مشارکت شود. در این نظریات کمتر بر نقش سمن‌ها در مشارکت‌پذیری شهروندان تأکید شده است که این مطالعه نشان می‌دهد این امر با حضور سازمان‌های واسطه، تسهیل می‌شود.

## ۵. نتیجه‌گیری

چارچوب پیاده‌سازی و ارزیابی پروژه‌هایی که توسط سمن‌های متخصص شهرسازی انجام می‌شود، برای آشنایی برنامه‌ریزان و طراحان شهری و همچنین مقامات محلی با این روند شکوفایی و همچنین نحوه استفاده از آن برای بهبود کیفیت محیط‌های شهری برای ساکنان ضروری است. اجرای موفق، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، می‌تواند فعالیت‌های مبتنی بر جامعه و مشارکت مردم در فرایندهای مکان‌سازی را تسهیل کند و اگر به طور مناسب توسط برنامه‌ریزان و طراحان شهری مدیریت شود، می‌تواند منجر به افزایش آگاهی شهروندان، مشارکت بیشتر آنان در امور مربوط به محله، ارتقای احساس تعلق به محله شود. موفقیت سمن‌ها در چنین پروژه‌هایی به چگونگی سیاست‌گذاری کوتاه‌مدت در سطح محلی بستگی دارد که با مداخله نهادهای مدنی، دولتی و خصوصی و همچنین ساختارهای موجود برای مکان‌یابی امکان‌پذیر است، به‌طوری‌که پس از پایان اقدامات عملی سمن، اثرات آن در بلندمدت بر ساکنان و مدیران باقی بماند و علاوه بر این بر ایجاد انگیزه بین اعضای سمن که به‌صورت داوطلبانه فعالیت می‌کنند نیز اثرگذار باشد. این مطالعه از این منظر، می‌تواند به‌عنوان یکی از اولین نمونه‌های انجام چنین اقداماتی به‌صورت سیستماتیک و روش‌مند، مؤثر باشد.

از جمله محدودیت‌های این مطالعه، می‌توان به تجزیه و تحلیل کیفی معیارهای چارچوب توسعه‌یافته توسط متخصصان و مقامات محلی اشاره کرد. انجام یک بررسی کمی از ساکنان می‌تواند به اعتبار معیارها کمک کند. تعداد محدود و مقیاس کوچک این پروژه از جمله محدودیت‌هایی است که بر اندازه‌گیری قابلیت اطمینان چارچوب در مقیاس‌های مختلف و در مورد نوع پروژه‌ها (رسمی در مقابل غیررسمی) تأثیر گذاشته است. همچنین، یک محدودیت دیگر مربوط به ارزیابی مداوم این است که آیا پروژه‌ها اثرات مطلوبی را به دنبال دارند یا عوارض جانبی غیرمنتظره‌ای ایجاد می‌کنند و آیا در جوامعی که به دنبال بهبود آنها هستند به طور گسترده پذیرفته شده‌اند؛ بنابراین با



در نظر گرفتن محدودیت‌های بالا انجام مطالعات پیوسته و تبدیل تجربیات عملی به صورت نظریات تئوری در راستای پر کردن شکاف بین نظریه و عمل ضروری به نظر می‌رسد. همچنین ارائه مطالعات ارزیابی پروژه‌های اینچنینی پس از اجرا و اثرسنجی آن‌ها می‌تواند به بسط دانش تئوری در حوزه تجربیات عملی و اقدامات موثر بعدی کمک کند.

#### کتاب‌نامه

۱. اسلامی‌تنها، ا.، کرم‌اللهی، ن.ا. (۱۳۹۴). روش تحقیق اقدام پژوهی در علوم اجتماعی. پژوهش در علوم انسانی، ۶(۲)، ۲۷-۴۰.
۲. ایمان، م.ت. (۲۰۱۸). روش‌شناسی تحقیق کیفی. تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۳. زرکانی، س.، و حجازی جوشقانی، م. (۱۳۹۴). ارزیابی تاثیر مولفه‌های سرمایه اجتماعی بر تمایل به مشارکت اعضای شورای اجتماعی محلات مشهد. جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۲(۲) (پیاپی ۳)، ۱۰۵-۱۲۱.
۴. سامانپور، ف.، برکیور، ن.، مقصودی، م. (۱۳۹۷). خدمات داوطلبانه دانشجویان در محیط فرارشته‌ای؛ گزارش یک اقدام پژوهی در شهرسازی. فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۱(۱)، ۳۳-۶۴.
5. Abelson, J., Forest, P. G., Eyles, J., Casebeer, A., Martin, E., & Mackean, G. (2007). Examining the role of context in the implementation of a deliberative public participation experiment: Results from a Canadian comparative study. *Social Science & Medicine*, 64, 2115-2128.
6. Arnstein S. R. (1969). A ladder of citizen participation. *Journal of the American Institute of Planners (JAIP)*, 35 (4), 216-224.
7. Barnes, M. (1992). Introducing new stakeholders: User and researcher interests in evaluative research. A discussion of methods used to evaluate the Birmingham community care special action project. *Policy and Politics*, 21, 47—58.
8. Beresford, P. (1992). *Researching citizen involvement: A collaborative or colonizing enterprise?* In M. Barnes & B. Wistow (Eds.), *Researching user involvement*. Leeds: Nuffield Institute for Health Service Studies, University of Leeds.
9. Brownill, S. (2009). The dynamics of participation: Modes of governance and increasing participation in planning. *Urban Policy and Research*, 27 (4), 357-375.
10. Connelly, S. (2010). Participation in a Hostile State: How do Planners Act to Shape Public Engagement in Politically Difficult Environments? *Planning Practice and Research*, 25(3), 333-351.
11. Conrad, E., Cassar, L. F., Christie, M., & Fazey, I. (2011). Hearing but not listening? A participatory assessment of public participation in planning. *Environment and Planning C: Government and Policy*, 29, 761-782.
12. Del Gaudio, C., Franzato, C., & de Oliveira, A.J. (2016). Sharing design agency with local partners in participatory design. *International Journal of Design*, 10(1), 53-64.
13. Dolores, M., Ramon, G., Otiso, K. M., Martin, Š. (2018). City profiles editor international editorial board CRoC editorial board printed in the Netherlands. *Cities*, 23(6).
14. Forester, J. (2006). Making participation work when interests conflict; Moving from facilitating dialogue and moderating debate to mediating negotiations. *American Planning Association*, 72 (4), 447-456.
15. Friedmann, J. (2005). Globalization and Emerging Culture of Planning. *Progress in Planning*, 64, 183-234.

16. Gaventa, J., & Valderrama, C. (1999). *Participation, Citizenship and Local Governance*. Background Note Prepared for Workshop on 'Strengthening Participation in Local Governance'. Brighton: Institute of Development Studies (IDS).
17. Gordon, E., Schirra, S., & Hollander, J. (2011). Immersive planning: A conceptual model for designing public participation with new technologies. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 38, 505-519.
18. Henderson, D. (1995). Consciousness raising in participatory research: Method and methodology for emancipatory nursing inquiry. *Advances in Nursing Science*, 17, 58-69.
19. Hung, H. (2015). Governance of built-heritage in a restrictive political system: The involvement of non-governmental stakeholders. *Habitat International*, 50, 65-72.
20. Khan, S., & Swapan, M. S. H. (2013). From blueprint master plans to democratic planning in South Asian Cities: Pursuing good governance agenda against prevalent patron-client networks. *Habitat International*, 38, 183-191.
21. King, C. S., Feltey, K. M., & Susel, B. O. (1998). The question of participation: Toward authentic public participation in public administration. *Public Administration Review*, 58 (4), 317-326.
22. Laurian, L. & Shaw, M. M. (2009). Evaluation of public participation; the Practices of Certified Planners. *Journal of Planning Education and Research*, 28, pp. 293-309.
23. Michels, A. (2011). Innovations in democratic governance: how does citizen participation contribute to a better democracy? *International Review of Administrative Sciences*, 77 (2), 275-293.
24. Ndezi, T. (2009). The limit of community initiatives in addressing resettlement in Kurasini ward, Tanzania. *Environment and Urbanization*, 21(1), 77-88.
25. Park, P. (1992). The discovery of participatory research as a new scientific paradigm: Personal and intellectual accountability. *The American Sociologist*, 23, 29-42.
26. Street, A. (Ed.). (1995). *Establishing a participatory action research group. Nursing replay: Research nursing culture together* (Vol. 1, pp. 59-78). Melbourne: Churchill Livingstone.
27. Stringer, E. (1996). *Action research: A handbook for practitioners*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
28. Williams, G. (2004). Evaluating participatory development: Tyranny, power and (re)politicisation. *Third World Quarterly*, 25(3), 557-578.
29. Yang, K., & Pandey, S. K. (2011). Further dissecting the black box of citizen participation: When does citizen involvement lead to good outcomes? *Public Administration Review*, 71 (6), 880-892.
30. Yetano, A., Royo, S., & Acerete, B. (2010). What is driving the increasing Presence of Citizen Participation Initiatives? *Environment and Planning C: Government and Policy*, 28, 783-802.